

عنوان مقاله:

تبیین ارتباط فرهنگ و قدرت در روابط بین الملل نگرش های انتقادی، پسا ساختارگرا، سازه انگار

محل انتشار:

پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره 7، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

محمدحسین جمشیدی - استادیار روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس

افشین شامیری - دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

در باب تحولات مفهومی قدرت و فرهنگ و تاثیر این دو پدیده اجتماعی، مطالعات گسترده ای در روابط بین الملل صورت گرفته است، اما کمتر تحقیقی به ارتباط متقابل این دو در عرصه روابط بین الملل پرداخته است؛ درحالی که امروزه اهمیت اینارتباط به ویژه با طرح نظریه قدرت هوشمند از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این مبنا، پژوهش حاضر درصدد است تا درچارچوب مفهومی قدرت و بر اساس روش مقایسه، نحوه ارتباط فرهنگ و قدرت را در سه رویکرد انتقادی، پسا ساختارگرایی و سازه انگاری مورد بررسی قرار دهد. انتقادی ها، پسا ساختارگراها و سازه انگاران هر کدام به ترتیب نقش ابزاری، قوام بخش یاگفتمانی و تکوینی برای فرهنگ نسبت به قدرت قایل هستند. دراین ارتباط، سوال این پژوهش این است که رویکردهای سه گانه انتقادی، پسا ساختارگرایی و سازه انگاری چگونه ارتباط فرهنگ و قدرت را در عرصه روابط بین الملل تبیین می کنند. یافته ها حاکی از آن است که با مقایسه دیدگاه سه رویکرد فوق در باب ارتباط قدرت و فرهنگ در روابط بین الملل، درمی یابیم که ایندو پدیده در عرصه روابط بین الملل در یک فضای سیال و پویا مرکب از مفاهیم فرهنگی ایدیولوژی، معنا، هویت سازی، هنجارآفرینی به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می بخشند و در این قوام بخشی متقابل و پایان ناپذیر است که تاثیرات متقابل قدرت و فرهنگ در قالب امنیت، نظم و ثبات ظهور پیدا می کند.

کلمات کلیدی:

قدرت، فرهنگ، رویکرد انتقادی، پسا ساختارگرایی، سازه انگاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/992604>

